

## آتش زیر خاکستر

اگرچه صحبتی از این تمییز و تمایز در کشور نمی‌شود ولی استثنائات ادامه دارد. علاوه بر این گونه مسایل، دولت نهم تبلیغات جدیدی را در مورد جوانان نخبه، مشاوران جوان و امثالهم شروع کرد که این خود نیز بحران گسترده‌ای را در بین جوانان کشور آغاز کرده است.

## جهانی و ملی

نباید فراموش کرد که تأثیرات جهانی و تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، با گذشت زمان و با ورود تکنولوژی‌های برتر ارتباطی که جهان را به دهکده کوچکی بدل کرده است، بیش از گذشته جوانان ایرانی را در میدان مسابقه جهانی، پسرخته نشان می‌دهد.

متأسفانه بسیاری از جوانان ایرانی، فاقد اطلاعات، راهنمایی و مشاوره‌های لازم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشند، در حالی که فقدان این امر مهم در مراحل مختلفی چون، تحصیل، ازدواج، انتخاب شغل و تدوین برنامه راهبردی در مسیر زندگی کاملاً محسوس است.

شرایط نابسامان در عرصه اقتصاد و به طور خاص در زمینه اشتغال، منجر به عدم تکاپوی جوانان در جهت کسب تجربه و آموزش مفید برای بازار کار شده است که این امر، ناشی از عدم اطمینان آنان برای آینده کشور می‌باشد. پُر واضح است که عدم کسب تجربه کاری نیز خودبه‌خود، ورود به بازار کار را سخت‌تر کرده و در شرایط عدم رقابت در بازار، منجر به تشکیل نیروی کاری تجربه می‌شود.

سازمان ملی جوانان که به عنوان تنها متولی رسمی امور جوانان می‌باشد، متأسفانه به مرکز بایگانی اطلاعات، آمار، مقالات بعضاً غیرکاربردی و به عبارتی بانک ایده تبدیل شده است. هزاران مقاله و تحلیل غیرکاربردی و پیشنهاداتی که بسیاری از آنها حتی پایه علمی هم ندارند و تعریف استراتژی‌های متعدد، موازی و حتی در پاره‌ای اوقات متضاد، راهکار حل معضل جوانان ایرانی نیست. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران»، را در رابطه با «جوانان، چالش‌ها و فرصت‌ها» در صفحات ۳۰ - ۲۳ می‌خوانیم.

گسترش روزافزون آسیب‌پذیری‌های اجتماعی و فرهنگی جوانان، ریشه در بحران‌های اقتصادی آنان دارد. توجه صرف به مسایل روانشناختی این طبقه از جامعه، بدون ریشه‌یابی و آسیب‌شناسی‌های اقتصادی، حرکتی غیراصیل است. نگرانی‌های روزافزون جوانان از آینده، بحران‌های اقتصادی حاکم بر کشور و مسایل روانی و بعضاً سیاسی حاکم بر این طبقه، منجر به نوعی از خودگریزی پایدار شده است. در این راستا، با اشاره به دردهای مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، می‌توان ضمن ارایه راهکارهای مناسب، به تدوین روش‌های نوآورانه‌ای پرداخت که به تضمین اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت تأمین آینده جوانان بینجامد.

از طرفی موفقیت «مهندسی فرهنگی» در ابهام قرار دارد و اگر منطقی فکر کنیم، امکان‌پذیر نخواهد بود. طرح‌های امنیت اجتماعی مطلوب هستند ولی هراساندن جوانان دختر و پسر از طرف دولت نمی‌تواند بزرگوارانه باشد و ناخواسته عقده‌هایی را در دل جوانان نطفه‌گذاری می‌کند. در این صورت آنها یا رادیکال می‌شوند یا خلاقیت، شادابی، نشاط و نوآوری - هر آنچه یک «جوان» را تعریف می‌کند - از جامعه رخت بر می‌بندد.

به عبارت دیگر رفتار دولت‌ها نباید منجر به شعله‌ور شدن آتش زیر خاکستر یا برودت قلب‌ها و احساسات جوانان بشود. در حالی که نقش مراکز قضایی و انتظامی کشور، نقشی عملی است و با طرح‌هایی چون امنیت اجتماعی و برخوردهای انتظامی نمود پیدا می‌کند، اما همواره این سؤال بی‌پاسخ مانده است که ما برای جوانان چه کرده‌ایم؟

تأمین امنیت اجتماع، مهم و حتی واجب است و این امر بر هیچ کس پوشیده نیست، اما برخوردهای امنیتی با مسایل جوانان پسندیده نیست. آنچه جوان ایرانی را امیدوار به فرایندی روشن خواهد کرد، اثرگذاری بر آینده کشور و بر طرح و سیمای ملی ایران در پهنه گیتی می‌باشد.

سال‌ها مسأله خودی و ناخودی توسط برخی از دولتمردان مطرح می‌شود. البته

## مالیات بر ارزش افزوده

## VAT در مقابل مالیات بر فروش



از نگاه آقای غلامرضا سلامی، رییس شورای عالی انجمن حسابداران خبره و عضو شورای سیاست‌گذاری ماهنامه «اقتصاد ایران»، مالیات بر مبنای ارزش افزوده، علاوه بر وصول قسمت اعظم مالیات بر مصرف، امکان فرار مالیاتی را به حداقل می‌رساند.

مالیاتی که بر مبنای ارزش افزوده از حلقه‌های مختلف تولید اخذ می‌شود، دقیقاً برابر با مالیاتی است که نهایتاً به مصرف‌کننده تحمیل می‌شود. در حقیقت از آنجا که عوارض گمرکی و سود بازرگانی معاملات، در نهایت به مصرف‌کننده منتقل می‌شود، نوعی مالیات بر مصرف محسوب شده که این نوع مالیات، در اکثر کشورها - از جمله ایران - سال‌های متعددی، از مصرف و فروش کالاها و خدمات خاص اخذ گردیده است. مالیات بر مصرف و فروش که عمدتاً از کالاها و خدماتی مانند فرآورده‌های نفتی، اتومبیل، سیگار و نوشابه‌های غیر الکلی و خدماتی نظیر حق اشتراک و مکالمه تلفنی و نظایر آن گرفته می‌شود، اغلب از بنگاه‌هایی وصول می‌شود که یا کاملاً دولتی هستند و یا به نوعی تحت کنترل دولت می‌باشند. خصیصه مهم دیگر این نوع مالیات‌ها آن است که کالاها و خدمات مشمول آنها، عمدتاً کالاها و خدماتی هستند که به مصرف‌کننده می‌رسند و کمتر، کالاها و خدمات واسطه‌ای قلمداد می‌شوند.

البته در بعضی از کشورهای پیشرفته صنعتی - نظیر بعضی از ایالت‌های آمریکا و کانادا - مالیات بر مصرف، به وسیله فروشنده نهایی کالا و خرده‌فروشان، از مصرف‌کننده وصول و به دولت پرداخت می‌شود، ولی عمده کشورهای که مالیات بر

## جلوگیری از تحمیل مالیات بر مصرف به تولیدکننده

به دلیل آن که نمی‌توان به آسانی زنجیره ارزش افزوده بنگاه‌های اقتصادی را به محصول نهایی و کالای واسطه‌ای تفکیک نمود، لذا چنانچه ناچار به اعمال مالیات بر فروش به تمامی تولیدات شویم، هزینه سنگینی را به تولیدکنندگان وارد نموده و در نهایت از طریق افزایش محسوس شاخص قیمت‌ها، فشار زیادی را به اقتصاد و مصرف‌کنندگان تحمیل خواهیم کرد. افزایش قیمت تمام شده، در مورد کالاهای پُرکشش، به ورشکستگی بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی منجر شده و در مورد

شود و دولت در این راستا به موفقیت دست یابد، تصویری کاملاً باطل است، چراکه فروشندگان نهایی کالا و خدمات در ایران، به نسبت درآمدی که بخش توزیع اقتصاد ایران کسب می‌کند، مالیات بردرآمدی در حد صفر پرداخت می‌کنند.

علت این مسأله، بیشتر به ضعف نظام مالیاتی کشور بازمی‌گردد که آن هم ناشی از نبود اطلاعات کافی در زمینه مبادلات بخش مشاغل، از جمله عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و فعالان بازار زیرزمینی است. ضعف اطلاعات در بخش خرده‌فروشی، تقریباً در تمامی کشورهای دنیا از جمله ایران وجود دارد. به همین دلیل، این کشورها پس از سال‌ها مطالعه و بررسی و حتی آزمون و خطا، بهترین شیوه برای برقراری و وصول مالیات بر مصرف را استفاده از شیوه مالیات بر مبنای ارزش افزوده تشخیص داده‌اند. مالیات بر مبنای ارزش افزوده، علاوه بر وصول قسمت اعظم مالیات بر مصرف، به دلیل به وجود آوردن سیستم جامع اطلاعاتی از معاملات در سطح کشور، امکان فرار مالیاتی از مالیات بردرآمد را به حداقل کاهش می‌دهد. در این شیوه، می‌توان بسیاری از خرده‌فروشان و ارایه‌دهندگان خدمات جزء را بدون آن که لطمه زیادی به میزان وصولی دولت از بابت مالیات بر مصرف وارد کنند، از چرخه پرداخت مالیات بر ارزش افزوده خارج ساخت. ■

افزایش قیمت کالاهای کم‌کشش، به مراتب بیشتر از آن چیزی است که دولت وصول می‌کند.

چنانچه قصد این باشد که فقط مصرف‌کننده نهایی را مشمول مالیات بر مصرف کنیم، آنگاه لازم است تمام بنگاه‌هایی را که در قالب واسطه‌های تولید و خرده‌فروشی فعالیت می‌کنند، شناسایی کرده و به آنها کُد مخصوصی اختصاص دهیم تا فروشندگان کالا، هنگام فروش، از اعمال مالیات بر مصرف به آنها خودداری کنند و بدین ترتیب، تنها مصرف‌کنندگان نهایی مشمول مالیات بر فروش شوند.

قابل درک است که طراحی و اجرای چنین سیستمی در کشوری مانند ایران، بسیار مشکل، پُرهزینه و تقریباً غیرممکن است و تا حد زیادی به تقلب‌ها و فرارهای مالیاتی منجر خواهد شد. همچنین باید توجه داشت که تجربه استفاده از کُد اقتصادی - که در مقایسه با سیستم فوق بسیار پیش پا افتاده بود - در ایران با سرنوشت مطلوبی روبه‌رو نشد.

### پیش دریافت مالیات به عنوان عامل کنترل

تصور این که مالیات بر مصرف، در کشوری مانند ایران به خرده‌فروشان محول

### نگاتی درباره استقلال بانک مرکزی

## خوب و بد استقلال پولی

نگاه دکتر ابراهیم هادیان، صاحب‌نظر مسایل اقتصادی و استاد اقتصاد دانشگاه شیراز، به موضوع استقلال بانک مرکزی



وظایف آن، توسط دولت‌ها و قوای مقننه تعیین می‌گردند. از این رو استقلال اهداف نمی‌تواند در دستور کار قرار بگیرد. در ایران، وظایف عمده بانک مرکزی، یعنی تنظیم نظام پولی و اعتباری کشور، نظارت بر بانک‌ها و تنظیم مقررات ارزی، تماماً توسط قوه مقننه به تصویب رسیده است. قدر مسلم در چنین شرایطی نمی‌توان از استقلال بانک مرکزی در تعیین اهداف سخن گفت. استقلال در عملکرد و انتخاب ابزار مناسب برای دستیابی به اهداف از قبل تعیین شده، بیشتر از دیگر ابعاد استقلال، مورد توافق صاحب‌نظران اقتصادی می‌باشد.

### نفت و ارز

در این نوع استقلال، بانک مرکزی اجازه دارد تنها سیاست‌هایی را تعقیب نماید که در کوتاه‌مدت و بلندمدت، به تأمین اهداف تعیین شده کمک می‌نمایند. اما همین صاحب‌نظران بر این باورند که استقلال در انتخاب ابزار سیاستی، زمانی میسر و ممکن خواهد بود که بانک مرکزی در تعیین مدیران اجرایی، تنظیم بودجه سنواتی و برخی از ضوابط و مقررات اجرایی خود، از استقلال لازم برخوردار باشد. زمانی که انتخاب رؤسای بانک مرکزی و ضوابط اجرایی آن توسط دولت‌ها تعیین می‌گردند، بدیهی است که استقلال، حتی در عملکرد و انتخاب ابزار سیاستی، مانند دیگر ابعاد استقلال، مصداق عینی پیدا نکرده و همواره بانک مرکزی تابع تصمیمات و سیاست‌های دولت قلمداد می‌شود. دولت‌ها به مدیران انتصابی خود اجازه نخواهند داد تا در مقابل سیاست‌های پیشنهادی آنان مقاومت به خرج دهند (حتی اگر دستیابی به اهداف تعیین شده بانک مرکزی را با مشکل مواجه سازند). شاید به همین دلیل، علیرغم تأکید کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی بر استقلال بانک مرکزی، تحقق این موضوع در عمل، پیشرفت چندانی نداشته است.

علاوه بر این، شرایط اقتصادی حاکم بر کشور ما، موضوع استقلال بانک مرکزی را با چالش جدی‌تری روبه‌رو می‌سازد. منابع نفت و گاز کشور در مالکیت دولت قرار داشته و درصد قابل توجهی از بودجه دولت، به ارز حاصل از صادرات این منابع وابسته است. در چنین شرایطی، دولت مجبور است تا ارز حاصل از

موضوع استقلال بانک مرکزی در تنظیم نهادهای سیاست‌گذاری یک نظام اقتصادی، همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. برجستگی این موضوع در ادبیات اقتصادی، در واقع این سؤال را برای عموم ایجاد نموده که استقلال یک نهاد سیاست‌گذار در یک نظام منسجم اقتصادی به چه معنا است؟ این استقلال چگونه تحصیل می‌گردد و نقش آن در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی چیست؟

اگرچه تجربه کشورها و شرایط اقتصادی متفاوت حاکم بر آنها پاسخ‌های گوناگونی را به دنبال داشته، اما این پاسخ‌ها در یک نکته اساسی، اشتراک نظر دارند و آن، این است که دولت‌ها به عنوان مهمترین بخش از نهادهای سیاست‌گذاری، به دلیل داشتن مسؤلیت‌های گوناگون در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، مجبورند در برخی موارد، برای اهداف سیاسی و اجتماعی خود، اولویت و اهمیت بیشتری در مقایسه با اهداف اقتصادی قایل گردند و در نتیجه ناگزیرند سیاست‌های خود را - حداقل در کوتاه‌مدت - بر این اساس طراحی و اجرا نمایند. حاکمیت معیارهای غیراقتصادی و کم‌رنگ شدن معیارهای اقتصادی، از ویژگی‌های این رویکرد می‌باشند. چنین رویکردی می‌تواند منجر به بی‌ثباتی و آشفتگی اقتصادی شود. برای جلوگیری از این معضل، پیشنهاد شده است، نهادهای سیاست‌گذار مستقل اقتصادی تأسیس شده تا در تعدیل آثار منفی سیاست‌های ناسازگار دولت، انجام وظیفه نمایند.

علیرغم وجود این دیدگاه مشترک بین کارشناسان اقتصادی، هنوز ابهاماتی در معنا و حدود استقلال بانک مرکزی وجود دارد. در نگاه اجرایی دولتمردان، بانک مرکزی جزئی از مجموعه دولت و بخشی از یک نظام اقتصادی محسوب می‌گردد. زمانی که دولت، توسعه و پیشرفت اقتصادی را بر مبنای درک خود از عدالت اجتماعی در دستور کار قرار می‌دهد، استقلال بانک مرکزی به چه منظور و برای تعقیب کدام هدف توصیه می‌گردد؟

علاوه بر این، زمانی که از استقلال یک نهاد سیاست‌گذار صحبت می‌شود، این استقلال می‌تواند در ابعاد گوناگون، مانند استقلال در تدوین و تبیین اهداف، استقلال در انتخاب ابزار سیاستی و عملکردی و یا استقلال در مدیریت تعریف گردد. تجربه نشان می‌دهد که در تمامی کشورها، موجودیت بانک مرکزی و